

## طبقه کارگر همچنان در صحنه مبارزه است و پیشتاز

## نظام آموزشی و شکاف طبقاتی



اعتصابات یک هفته‌ای و اعتراضات خیابانی کارگران هیکو، آذربایجان، کنتورسازی قزوین و اعتصاب کارگران هفت‌تپه، بار دیگر نشان داد که کارگران را با ارباب و احضار و شکنجه و زندان، نمی‌توان خاموش و مغلوب ساخت. رویدادهای یک هفته اخیر، نه فقط یک بار دیگر این واقعیت را به اثبات رساند مادام که خواست‌های کارگران برآورده نشود، آن‌ها در میدان مبارزه برای احقاق حقوق

ادرسفحه ۲



شکاف طبقاتی - بویژه در سال‌های اخیر - با شتاب شگفت‌آوری افزایش یافته است. یکی از این عرصه‌ها وضعیت آموزشی و تحصیلی طبقات مختلف جامعه است. براساس آمارهای دولتی در سال ۹۶، ثروتمندان ۵۳ برابر فقرا برای آموزش فرزندان‌شان هزینه کرده‌اند. همچنین براساس گزارش بانک جهانی، دولت ایران در خصوصی‌سازی مدارس متوسطه بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ در

درصافحه ۳

## کودک همسری، پدیده‌ای که به وسعت سراسر ایران گسترده است

## بندبازی جمهوری اسلامی بر روی لبه تیغ


پدیده‌هایی که روزمره صدها و هزاران نمونه آن بی‌سروصدا در ایران رخ می‌دهد و کسی از آن آگاه نمی‌شود، گاه باعث می‌گردد که انتشار نمونه‌ای از آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی بازتاب وسیعی در جامعه و در میان توده مردم پیدا کند، اما پس از چند روز فروکش می‌کند و پدیده‌ای که یک معضل و نابسامانی اجتماعی بزرگ است به روال معمول به حیات خود ادامه می‌دهد. نمونه اخیر آن انتشار فیلمی از عقد یک دختر بچه ۹ ساله با مردی ۲۷ ساله در بهمنی استان کهگیلویه و بویراحمد است که در شبکه‌های اجتماعی انعکاس وسیعی یافت، سپس به سطح روزنامه‌ها و رادیو-تلویزیون‌ها کشید، حساسیت مردم را برانگیخت و سبب شد که رژیم هم واکنش نشان دهد، اما نه برای حل مسئله، بلکه برای فرونشاندن خشم و اعتراض مردم و مختمومه اعلام کردن آن. بنابراین، دستگاه قضائی رژیم وارد ماجرا شد و رئیس دادگستری بهمنی اعلام کرد "با پیگیری‌های انجام‌گرفته از عاقد، داماد و اولیای دختر بچه معلوم شد این

درصافحه ۱۰

جمهوری اسلامی از روز شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۸، به طور رسمی مرحله سوم "کاهش تعهدات برجامی" خود را در زمینه توقف تمام تعهدات تحقیق و توسعه هسته ای آغاز کرد. بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران روز شنبه در یک کنفرانس خبری جزئیات ۴ اقدام جمهوری اسلامی در کاهش تعهدات رژیم از توافق هسته ای موسوم به برجام را اعلام کرد. او در این کنفرانس خبری در مورد آغاز گزدهی به "ای آر ۶" و "ای آر ۴" گفت: جمهوری اسلامی گزدهی ماشین‌های "ای آر ۶" را به صورت زنجیره ۲۰ تایی از دیروز [جمعه] شروع کرده و زنجیره ۳۰ تایی را در برنامه بعدی انجام می‌دهد."

سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران با اعلام اینکه فعلا بنا نداریم تغییری در نظارت‌های

درصافحه ۶



**صدور حکم زندان برای متهمان  
پرونده هفت‌تپه را محکوم می‌کنیم**

درصافحه ۵

**خلاصه ای از  
اطلاعیه های سازمان**

درصافحه ۴

**علیه احضار کارگران فولاد اهواز  
به اعتراض برخیزیم**

درصافحه ۹

## طبقه کارگر همچنان در صحنه مبارزه است و پیشتان



در هفته‌تپه نیز مشکلات کارگران روز به روز بیشتر شده است. فشار و ارباب و تهدید علیه کارگران پیوسته تشدید شده است. علاوه بر احضار دهها کارگر پیشرو هفته‌تپه و علاوه بر محاکمه ۹ کارگر این شرکت و محکوم کردن آن‌ها به حبس و شلاق، آخرین خبرهای انتشار یافته توسط سندیکای کارگران نیشکر هفته‌تپه، حاکی از آن است که کارفرمای هفته‌تپه در صد آن است ۳۵ تن از کارگران بخش دام و طیور را اخراج کند. در هفته‌تپه نیز دستمزدها حداقل دو ماه عقب‌افتاده است. اضافه‌کاری‌ها مدت‌هاست قطع شده است. چماق دستگاه قضایی و امنیتی روی سر کارگران است. بعد از اعمال فشار و سرکوب کارگران این شرکت در جریان اعتصابات و اعتراضات خیابانی پرشور پاییز سال گذشته و به دنبال آن احضارهای گسترده چند ده تن از کارگران پیشرو و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه اسماعیل بخشی و علی نجاتی از نمایندگان کارگران هفته‌تپه و اعضای هیات مدیره سندیکای آن‌ها، طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن، بر این خیال بود که با پهن کردن بساط ترور و سرکوب و شکنجه و شلاق، اعتراض در هفته‌تپه را خاموش ساخته‌است. روز پنجشنبه ۱۴ شهریور وقتی که بیش از ۴۰۰ تن از کارگران رسمی شرکت دست از کار کشیدند و روزهای ۱۶ و ۱۷ شهریور نیز به اعتصاب خود ادامه دادند، طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن قاعدتا باید متوجه شده باشند که با زور و زندان و شکنجه و تشدید سرکوب، نمی‌توانند مانع اعتصاب و اعتراض شوند. کارگران هفته‌تپه در این روز، نخست در برابر دفتر مدیریت دست به تجمع زدند و سپس برای پیگیری عدم پرداخت دستمزدها، وارد دفتر مالی شرکت شدند که درگیری‌هایی نیز بوجود آمد. اسد بیگی کارفرمای شرکت از طریق عوامل خود اعلام کرده بود که تا بعد از عاشورا، از پرداخت دستمزد تیرماه خبری نخواهد بود. لازم به یادآوری است که نامبرده همان روز با حضور در شرکت در حالی که همراه دو بادبیارگارد محافظت می‌شد، اقدام به گشت‌زنی در شرکت کرده بود، حکم ممنوع‌الورودی یکی از کارگران را که به حضور وی و عدم پرداخت دستمزد اعتراض کرده بود، صادر کرد.

روشن است که ارتجاع اسلامی و کل طبقه حاکم از تکرار پاییز سال ۹۷ به شدت وحشت دارند و برای ممانعت از تکرار آن به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند. در همین رابطه آن‌طور که میثم آل مهدی از کارگران پیشرو و فعال اخراجی فولاد اهواز اعلام نموده است، ۴۱ تن از کارگران پیشرو فولاد اهواز و فعالان اعتراضات و اعتصابات سال گذشته، به "دادگاه انقلاب"

و پالایشگاهی و ساخت مخازن ذخیره مواد سوختی و شیمیایی، سازنده پالایشگاه‌های نفت و گاز، نیروگاه‌های برق گازی، حرارتی و تجهیزات لازم برای ساخت کارخانه قند و نیشکر است. بحران در این شرکت بزرگ پس از واگذاری به تدریج تشدید شد و از سال ۹۵، این بحران به مرحله حادی رسیده است. کارگران آذرباب در فاصله این سه سال (۹۵ تا ۹۸) دهها بار دست به اعتصاب و اعتراض زده و یا وارد خیابان‌های اراک شده‌اند. اعتراضات اخیر کارگران آذرباب در واقع، ادامه و تکامل اعتراضات پیشین این واحد است. اعتصابات و اعتراضات کارخانه‌ها و صنایعی چون هپکو و آذرباب، در واقع بیانگر کلیت جنبش کارگری است که مسیر رشد و تکاملی خود را طی می‌کند. اعتصابات و اعتراضات خیابانی هپکو و آذرباب که با درس‌آموزی از تجارب پیشین همراه است وارد دور جدیدی شده است که بی‌شک کل جنبش طبقه کارگر را تحت‌تأثیر قرار داده و نقش مهمی در جهت‌گیری‌ها و تکان‌های آینده این جنبش خواهد داشت.

در فضای ظلمت‌اندودی که طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی آن، با ارباب و تهدید و اعمال وحشی‌گری و خشونت بیشتر علیه کارگران و مدافعان آن‌ها، سعی کرده است بر جنبش کارگری تحمیل کند، هپکو و آذرباب ستاروار درخشیدند و در آسمان جنبش کارگری پرتو افشاندند. اگرچه هپکو و آذرباب، این ستارگان پُر نور جنبش کارگری در مقابله با نظم موجود و برای تغییر آن، شمه‌ای از پیگیری و پیشگامی خود را به نمایش گذاشتند، اما اعتصاب و ورود کارگران به خیابان به این دو کارخانه خلاصه نمی‌شود. کارگران شرکت کنتورسازی قزوین نیز از روز دهم شهریور ماه در محل کارخانه دست به تجمع زدند و بلافاصله با پلاکاردها و بنرهای خود وارد خیابان‌های شهر قزوین شدند و در روزهای بعد نیز مکرر دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند.

کارگران کنتورسازی قزوین با اعتراضات خیابانی چند روزه خود و تجمع در مقابل استانداری قزوین، خواستار پرداخت تمام مطالبات معوقه، سنوات، راه‌اندازی کارخانه و ادامه‌کاری و ضمانت شغلی خود شدند. "عزاعزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کارگر روی هوست امروز" و "شرکت کنتورسازی - ننگ خصوصی‌سازی" مهم‌ترین شعارهایی بود که کارگران سر دادند و ضمن بیان وضعیت خود، نسبت به واگذاری شرکت به بخش خصوصی اعتراض کردند.

کنتورسازی قزوین که سال ۴۷ تاسیس شده است تا سال ۸۷، تنها برند تولیدکننده کنتور در خاورمیانه بود. از سال ۸۷ که به بخش خصوصی واگذار شد، کارفرمای جدید نیمی از ۴۰۰ کارگر شرکت را به تدریج اخراج کرد و هم اکنون نیز تقریباً به حالت تعطیل درآمده است و کارگران آن ماه‌هاست در حالت بلاتکلیفی قرار دارند.

خویش حاضرند و صحنه نبرد برای تحقق خواست‌ها و تغییر وضع موجود را ترک نمی‌کنند، بلکه این واقعیت انکارناپذیر را نیز یکبار دیگر نشان داد که طبقه کارگر پیشتان مبارزه در صحنه گسترده‌تریست که همه زحمتکشان و تهیدستان و بی‌چیزان در آن حضور دارند.

نزدیک به یک هفته است خیابان‌های شهر اراک، شاهد کویش گام‌های استوار کارگران صنایع آذرباب است. خیابان‌ها و میدانی شهر اراک، پیش از آن‌که فرصت آرامش پس از اعتراضات خیابانی یک هفته‌ای کارگران هپکو را بیابد، آغوش گرم خود را به روی آذرباب گشود. کارگران آذرباب که از روز ۱۲ شهریور با خواست‌های مشابه هپکو، دست به اعتصاب زدند، اعتراضات خیابانی خود را آغاز کردند و طی چند روز متوالی به اعتراضات خود ادامه دادند. کارگران آذرباب در همان روز نخست اعتراضات خیابانی خود، به نشان اعتراض با پهن کردن سفره خالی، به شکل نمادین وضعیت وخیم معیشتی خود را به تصویر کشیدند. روز دوم اعتصاب، اگرچه مقامات امنیتی و پلیسی و فرماندار اراک سعی کردند با ارباب و تهدید و ایجاد نفاق در میان کارگران، مانع تجمع و راهپیمایی کارگران شوند، اما کارگران آذرباب با حفظ اتحاد و یکپارچگی خود، وارد خیابان شدند. "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" و "مشکل ما حل نشه، شهر قیامت میشه" از مهم‌ترین شعارهای کارگران آذرباب بود. پرداخت تمام مطالبات معوقه، پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی، پایان بلاتکلیفی شرکت، تضمین ادامه کاری و ضمانت شغلی، بهبود شرایط کار و دستمزدها، از مهم‌ترین خواست‌های کارگران است. ۱۴ شهریور کارگران آذرباب ضمن ادامه اعتراضات خیابانی، در حمایت از هپکو و در همبستگی با کارگران هپکو شعار می‌دادند؛ "زنده باد هپکو"، "پاینده هپکو"، "برقرار هپکو". دیروز هپکو وارد خیابان شده بود، امروز آذرباب و فردا همان‌طور که شهریور دو سال قبل نیز شاهد بودیم، هر دو با هم و شانه به شانه هم وارد خیابان خواهند شد. آذرباب با شرایطی تقریباً مشابه شرایط هپکو دست به گریبان است. شرکت صنایع آذرباب در سال ۶۳ در زمینی به وسعت ۳۷ هکتار در ۵ کیلومتری شهر اراک تاسیس شد. سطح زیربنای این شرکت ۷۰ هزار متر مربع است و بیش از ۱۸۰۰ کارگر دارد. چندین شرکت بزرگ مانند شرکت توسعه صنعت انرژی ستاره تدبیر پارس، شرکت گسترش صنایع آذرباب، شرکت مهندسی توسعه صنایع نفت و گاز آذرباب و شرکت صنعت آفرین نمونه عمران، زیر مجموعه این شرکت هستند.

شرکت صنایع آذرباب جزء ابر شرکت‌هاییست که تولیدکننده توربین‌های آبی تولید برق، تجهیزات نیروگاه‌های آبی، طراحی و ساخت و نصب و راه‌اندازی کارخانه سیمان و کارخانه گچ، تجهیزات ثابت صنایع نیروگاهی، پتروشیمی

## نظام آموزشی و شکاف طبقاتی

سطح جهان رکورددار می‌باشد. به‌گفته‌ی جواد حسینی سرپرست سابق وزارت آموزش و پرورش ۲۴ نوع مدرسه در ایران وجود دارد، مساله‌ای که به‌گفته‌ی بسیاری از معلمان باعث افزایش شکاف در کیفیت آموزشی دانش‌آموزان طبقات دارا و ندار شده که برای نمونه می‌توان نتیجه آن را در نتایج کنکور امسال دانشگاه‌ها دید.

براساس نتایج کنکور سال‌جاری، ۷۳ درصد نفرات برتر کنکور از مدارس سمپاد (تیزهوشان) ۱۳ درصد مدارس نمونه دولتی و ۱۴ درصد سهم مدارس غیرانتفاعی بوده و دانش‌آموزان مدارس دولتی هیچ سهمی در نفرات برتر کنکور نداشته‌اند. در حالی که تهران حدود ۱۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، ۵۰ درصد نفرات برتر کنکور از این شهر هستند و دیگر نفرات برتر نیز عموماً از شهرهای بزرگ می‌باشند. همچنین ۸۲ درصد قبولی‌های کنکور ۹۸ مربوط به ۵ استان است، استان تهران ۴۶ درصد، آذربایجان شرقی و فارس هر کدام ۱۰ درصد، خراسان رضوی ۹ درصد و اصفهان ۷ درصد. وجود مدارس گوناگونی که پول‌های سرسام‌آور از والدین دریافت می‌کنند، همراه با کلاس‌های ویژه کنکور عملاً سد بزرگی بر سر راه ورود فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه برای تحصیلات دانشگاهی بوجود آورده است. واقعیت این است که تنها اقشار مرفه و میانی (آن‌هم با صرفه‌جویی در سایر هزینه‌ها) قادر هستند تا فرزندان خود را وارد چنین رقابتی کنند. به‌گفته‌ی محمدرضا واعظ مهدوی معاون سابق سازمان برنامه و بودجه ۹ درصد از خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان‌شان مجبور به فروش وسایل زندگی می‌باشند. همچنین مجتبی زینی‌وند رئیس سازمان مدارس غیردولتی می‌گوید: "براساس تحقیقی که در شهر تهران انجام و ۹۰ مدرسه غیردولتی را از مناطق بالا و پایین شهر بررسی کردند، مشخص شد که ۷۶ درصد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی کارمندان دولت، ۴ درصد فرزندان اساتید دانشگاه و مدیران و مابقی مشاغل آزاد هستند".

جدا از این‌که در آموزش و پرورش اساساً تقسیم‌بندی مدارس و دانش‌آموزان به هر شکل و هر عنوان غلط است، بر این مساله نیز باید تاکید کرد که مدارس "سمپاد" (تیزهوشان) در واقع دکانی برای پول درآوردن هستند و جدا از هزینه ثبت نام در این مدارس، برای ورود به این مدارس مسابقه‌ای است که در این مسابقه نیز وضعیت مالی والدین نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند، مسابقه‌ای که جدا از آزمون ورودی به‌واقع از همان کلاس اول ابتدایی برای دانش‌آموزان شروع شده است.

البته سهم‌بندی و تبعیضات جنسیتی از دیگر موانع ورود به دانشگاه‌ها هستند. به دلیل تبعیض جنسیتی زنان از تحصیل در برخی از رشته‌ها محروم شده‌اند که براساس آمار دولتی بیش از ۸ هزار نفر از ظرفیت دانشگاه‌های دولتی را در بر می‌گیرد. "سهمیه" یکی دیگر از موانع ورد به

دانشگاه‌هاست. در کنکور سال‌جاری ۳۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها به "ایثارگران" اختصاص یافته که شامل خانواده‌های آن‌ها نیز می‌شود. از جمله کسانی که مثلاً شش ماه به‌عنوان بسیجی به جمهوری اسلامی خدمت کرده‌اند خود و خانواده‌های‌شان شامل این سهمیه می‌شوند که البته یکی از اهداف این سهمیه‌ها حضور نیروهای وابسته و مزدور جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها می‌باشد.

اگرچه مجتبی زینی‌وند رئیس سازمان مدارس غیردولتی می‌گوید ۱۱ درصد دانش‌آموزان در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند که براساس قانون برنامه ششم توسعه باید این رقم به ۱۵ درصد برسد، اما با در نظر گرفتن مدارس نمونه دولتی، هیات امنایی و غیره می‌توان گفت رقم واقعی دانش‌آموزانی که در مدارس غیر "دولتی" تحصیل می‌کنند، بیشتر از این رقم می‌باشد. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران از قول فریده حمیدی دانشیار دانشگاه تربیت دبیر "رجایی" تعداد دانش‌آموزان مدارس دولتی را ۸۰ درصد کل دانش‌آموزان اعلام می‌کند. این ۸۰ درصد نیز فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه هستند که مجبورند فرزندان‌شان را در مدرسی که گاه بیش از ۴۰ درصد آموزش در یک کلاس نشسته‌اند ثبت‌نام کنند. مدرسی که هیچ‌گونه امکاناتی ندارند، چرا که ۹۸ درصد بودجه وزارت آموزش و پرورش صرف پرداخت حقوق معلمان و دیگر پرسنل این وزارتخانه می‌شود و پولی برای دیگر هزینه‌ها نمی‌ماند. به گزارش خبرگزاری "تسنیم" و به نقل از یک معلم به نام طاهرخانی، در مدارس دولتی حتی پول تامین کاغذ وجود ندارد و این مدارس مجبورند هزینه را از خانواده‌ها دریافت کنند. به گفته‌ی وی سرانه آموزشی مدارس سه سال است که واریز نمی‌شود!!!

بویژه در سال‌های اخیر، مدارس دولتی تحت عنوان "کمک‌های مردمی داوطلبانه"، عملاً اولیا را مجبور به پرداخت پول برای هزینه‌های جاری مدارس می‌کنند. جدا از این مساله پر شدن ظرفیت مدارس دولتی یک معضل دیگر بر سر راه کودکان و والدین‌شان است. کمبود مدارس دولتی باعث شده است که مدیران مدارس از ثبت‌نام دانش‌آموزان جدید خودداری کنند و این در حالی‌ست که محروم‌ترین بخش‌های جامعه که مستاجر هستند به دلیل تغییر محل سکونت خود که عموماً نیز در فصل تابستان است، مجبور به نام‌نویسی فرزندان خود در مدارس جدید هستند ولی این مدارس از پذیرش کودکان سر باز می‌زنند.

این معضلات همه به دلیل عدم اختصاص بودجه کافی در آموزش و پرورش است. به‌گفته‌ی علی‌شهری مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران، حدود ۲۳ هزار کلاس درس فرسوده در تهران وجود دارد. وی مدعی‌ست که استان تهران در این قسمت رتبه نخست کشور را دارد!!!

رضا امیدی "استادیار" دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه طباطبایی در این رابطه می‌گوید:

"یونسکو به دولت‌ها توصیه کرده است بین ۴ تا ۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۵ تا ۲۰ درصد بودجه عمومی را به آموزش عمومی اختصاص دهند اما وضعیت ایران بدین صورت است که ۱/۵ تا ۲ درصد تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد بودجه عمومی به آموزش و پرورش اختصاص دارد" (خبرگزاری تسنیم). در ادامه گزارش این خبرگزاری آمده است: "پرداخت از جیب خانواده‌ها در تامین مالی آموزش عمومی به طور متوسط ۲۰ درصد است. این نسبت در کشورهای پُر درآمد حدود ۱۸ درصد و در کشورهای کم‌درآمد حدود ۳۳ درصد برآورد شده است. براساس پایین‌ترین برآوردها سهم پرداخت از جیب خانواده‌های ایرانی (صرفاً شهریه‌ای که به مدارس دولتی و غیردولتی می‌پردازند) از مجموع هزینه‌های آموزش و پرورش حدود ۳۳ درصد است".

نماینده سبزوار در مجلس اسلامی نیز هزینه دولت در آموزش عمومی را حداکثر ۶۰ درصد می‌داند در حالی‌که به‌گفته‌ی وی به‌طور میانگین در دنیای امروز دولت‌ها حدود ۸۷ درصد هزینه‌های آموزش عمومی را پرداخت کرده و حتی در برخی از کشورهای اروپایی دولت‌ها ۹۹ درصد هزینه آموزش عمومی را می‌پردازند. برای نمونه در حالی‌که سرانه هر دانش‌آموز در کشور لوکزامبورگ بیش از ۲۱ هزار دلار است در ایران سرانه دانش‌آموزی کمتر از ۳۰۰ دلار است که البته این مقدار هم هزینه حقوق معلمان است و دیگر چیزی برای دانش‌آموزان و یا نوسازی و تجهیز مدارس و یا ساخت مدارس جدید باقی نمی‌ماند. از همین‌روست که ما هنوز شاهد برگزاری کلاس درس در مناطق محروم در کپر، چادر و غیره هستیم. در همین‌جا بر این نکته نیز انگشت بگذاریم که حقوق معلمان ایران نیز نسبت به همکاران خود در جهان بسیار پایین‌تر از حد متوسط جهانی است و این تازه همه ماجرا نیست. یکی دیگر از مشکلات معلمان، کمبود معلم است که باعث می‌شود فشار آن به معلمان بیاید که نتایج بسیار مخرب آموزشی دارد. برای نمونه گفته می‌شود در سال جاری ۱۰۰ هزار نفر از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته خواهند شد که هیچ برنامه‌ای از سوی دولت برای جذب معلم جدید وجود ندارد، در حالی‌که هم‌اکنون نیز مدارس دولتی با کمبود شدید معلم (همچون فضای آموزشی) روبرو هستند.

گسترش سیاست خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش که کابینه روحانی یکی از مدافعان سرسخت این سیاست در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است، نه تنها امکان تحصیلات دانشگاهی را از فرزندان کارگران و زحمتکشان گرفته است، بلکه میلیون‌ها کودک را اساساً از چرخه آموزش بیرون رانده است. اگر چه هیچ‌گاه آمار درستی از سوی مقامات حکومت در رابطه با میزان کودکان بازمانده از تحصیل منتشر نمی‌شود، اما نگاهی به تعداد دانش‌آموزان و تعداد کودکانی که در سنین ۶ تا ۱۸ سالگی هستند، نشان می‌دهد که بین ۲ تا ۳ میلیون کودک از چرخه تحصیل خارج شده‌اند. به‌گفته‌ی فرشید یزدانی مدیرعامل "انجمن حمایت از حقوق کودک" در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ حدود ۲ میلیون کودک خارج درصفحه ۴

## نظام آموزشی و شکاف طبقاتی

### خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در روز ۱۵ شهریور و به دنبال انتشار خبر احضار ۴۱ کارگر فولاد اهواز به "دادگاه" سازمان فدائیان (اقلیت) اطلاعیه‌ای با عنوان "احضار ۴۱ کارگر فولاد اهواز به بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم" منتشر ساخت. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "احضار کارگران مبارز فولاد اهواز به بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی، بیدادگاه‌هایی که اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، ساناز اللهیاری، امیرحسین محمدی فرد و امیر امیرقلی را به جرم دفاع از خواست‌ها و منافع کارگران هفت‌تپه به محاکمه کشیده‌اند، بیدادگاه‌هایی که احکام سنگین زندان به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر برای مرضیه امیری، عاطفه رنگریز، حسن سعیدی و دیگران صادر کرده‌اند، در راستای سیاست‌ست که در روزهای گذشته ابراهیم رئیسی برای سرکوب جنبش کارگری به صراحت اعلام کرده است، جنایتکاری که دست‌اش به خون هزاران زندانی سیاسی در دهه ۶۰ آلوده است.

بدون هیچ تردیدی احضار ۴۱ کارگر مبارز فولاد اهواز از ترس گسترش موج جدید اعتراضات و اعتصابات کارگری‌ست که بسیاری از مراکز کارگری از جمله هفت‌تپه، آذرب و هپکو را فرا گرفته است. دشمنان کارگران براین فکر عبث هستند که با سرکوب و اخراج و به بند کشیدن کارگران می‌توانند جنبش کارگری را سرکوب و بهشت سرمایه‌داران را تداوم بخشند. اما کارگران ایران با تداوم و گسترش و تعمیق مبارزات خود که از جمله در تعداد، اشکال و شعارهای کارگران هویداست، نشان دادند که جنبش کارگری ایران با گام‌هایی استوار به پیش می‌تازد".

از چرخه تحصیل بوده‌اند. طبیعی‌ست که با گسترش فقر و هم‌زمان بالا رفتن هزینه‌های تحصیل بر تعداد کودکان بازمانده از تحصیل نیز که وارد بازار کار می‌شوند، افزوده خواهد شد. این را هم فراموش نکنیم که برخی از کودکان مجبورند در کنار تحصیل کار کرده تا برخی از هزینه‌های خانواده را تامین کنند. جدا از مشکلات و هزینه ثبت‌نام که در مدارس دولتی نیز در عمل به یک نرُم تبدیل شده است، هزینه کتاب، دفتر و نوشت‌افزار از دیگر هزینه‌های سرسام‌آور و کمرشکنی است که در برابر کودکان کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است. خبرگزاری دولتی مهر به نقل از بهرام آجرلو رئیس اتحادیه صنف نوشت‌افزار کرج از دو تا سه برابر شدن قیمت لوازم تحریر نسبت به سال گذشته خبر داده است. دفتر و نوشت‌افزاری شده آنقدر ناچیز است که در عمل گرهی از مشکلات باز نمی‌کند. برای نمونه تنها ۱۵ میلیون دفتر مشق قرار است بین دانش‌آموزان توزیع شود که از این تعداد حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار دفتر بین دانش‌آموزان تحت پوشش "کمپته امداد" توزیع می‌شود که به هر دانش‌آموز ۵ جلد می‌رسد!! کمتر از ۱۳ میلیون دفتر مشق دیگر نیز بین سایر دانش‌آموزان تقسیم خواهد شد که در این میان ۷ میلیون در ۱۰ استان محروم توزیع خواهد شد. این یعنی به معنای کامل کلمه: هیچ!! اما قیمت همین دفترچه‌های به اصطلاح دولتی هم برای کسانی که هیچ درآمدی ندارند بسیار بالا است. دفترچه‌های ۴۰ برگ ۱۷۰۰ تومان، ۶۰ برگ ۲۵۰۰ تومان، ۸۰ برگ ۳۴۰۰ تومان و ۱۰۰ برگ ۴۲۰۰ تومان. اما قیمت دفترچه در بازار که در واقع عموم دانش‌آموزان باید از آنجا دفترچه‌های خود را تامین کنند بسیار وحشتناک است. دفتر مشق معمولی ۶۰ برگ ۱۲۷۰۰ تومان، ۸۰ برگ ۱۵ هزار تومان و ۱۰۰ برگ ۲۲ هزار تومان است!! این تنها بهای دفتر است. یعنی برای یک دانش‌آموز فقط هزینه دفتر مشق او بالغ بر چندصد هزار تومان می‌شود، حال سایر لوازم مورد نیاز مانند خودکار و مداد و کیف و غیره به کنار. حال چگونه می‌تواند یک کارگر با دستمزد مثلا یک میلیون و پانصد هزار تومانی خود از پس هزینه‌های مدرسه ۲ کودک برآید؟! اصلا با این دستمزد حتی نمی‌توان هزینه‌های خوراکی را تامین کرد و گاه انسان می‌ماند که این مردم با این دستمزدها و حقوق‌ها چگونه روز را به شب و شب را به روز می‌رسانند!!!

نظام ظالمانه سرمایه‌داری ایران که جمهوری اسلامی پاسدار آن است در حالی چنین شرایطی را بر نظام آموزشی کشور حاکم کرده است که اغلب کشورهای سرمایه‌داری از نظام آموزشی بهتری برخوردارند. به عبارت دیگر در همین عرصه نظام آموزشی نیز ما چهره‌ی خشن نظام سرمایه‌داری ایران را می‌بینیم که یکی از جنایتکارترین و ضدمردمی ترین حکومت‌های دیکتاتوری جهان حکومت را





## صدور حکم زندان برای متهمان پرونده هفت‌تپه را محکوم می‌کنیم

براساس آخرین اخبار منتشره، امروز شنبه ۱۶ شهریور احکام بی‌دادگاه‌های اسلامی علیه متهمان پرونده هفت‌تپه به آن‌ها ابلاغ شده است. براساس این خبر اسماعیل بخشی نماینده شجاع کارگران هفت‌تپه به ۱۴ سال زندان، محمد خنیفر کارگر هفت‌تپه به ۶ سال زندان، سپیده قلیان به ۱۸ سال زندان و اعضای تحریریه نشریه گام امیرحسین محمدی فرد، ساناز اللهیاری، عسل محمدی و امیر امیرقلی هر کدام به ۱۸ سال زندان محکوم شده‌اند. از صدور حکم علیه علی نجاتی کارگر بازنشسته هفت‌تپه و از بنیان‌گذاران سندیکای کارگران هفت‌تپه تا این لحظه هیچ خبری منتشر نشده است.

صدور احکام متهمان پرونده هفت‌تپه، مبارزانی که برای خواست‌ها و مطالبات میلیون‌ها کارگر به میدان آمده، آن‌ها را فریاد زده و یا در تلاش برای انعکاس صدای بی‌صدایان بودند، درست در روزی اعلام شد که سعید مرتضوی جنایتکار که در قتل زهرا کاظمی (روزنامه‌نگار ایرانی - کانادایی) و چهار زندانی کهریزک نقش مستقیم داشته است، بعد از گذشت مدتی کوتاه از زندان آزاد شد. اگرچه او در همین مدت کوتاه نیز بارها به مرخصی آمد و حتی به کربلا سفر کرد.

جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن متهمان پرونده هفت‌تپه را به احکام طولانی مدت زندان محکوم کرد، زیرا آن‌ها صدای کارگران و دیگر زحمتکشان و محرومان جامعه بودند که امروز مهم‌ترین شعار و خواست‌شان "نان، کار، آزادی" است.

جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن متهمان پرونده هفت‌تپه را به احکام طولانی مدت زندان محکوم کرد، زیرا آن‌ها راه رهایی کارگران و دیگر زحمتکشان و محرومان جامعه را با شعار "نان، کار، آزادی - اداره شورایی" نشان دادند، شعاری که به سرعت در میان اقشار مختلف جامعه جا باز کرد و فراگیر شد.

دادگاه نمایشی متهمان پرونده هفت‌تپه یک نمایش مفتضحانه و شکست برای جمهوری اسلامی بود، نمایشی که پایان آن نه محکومیت متهمان پرونده هفت‌تپه، بلکه محکومیت جمهوری اسلامی بود. آن‌ها با صدور این احکام وحشیانه نشان دادند که دشمن بزرگ کارگران و زحمتکشان هستند و صدور این احکام وحشیانه این پیام را به خوبی به کارگران و زحمتکشان ایران رساند.

آن‌ها نه متهمان پرونده هفت‌تپه بلکه کارگران ایران را به بیدادگاه‌های اسلامی کشاندند که خواستار "نان، کار، آزادی" هستند.

سازمان فدائیان (اقلیت) صدور احکام ظالمانه علیه متهمان پرونده هفت‌تپه را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط تمامی آن‌ها و دیگر زندانیان سیاسی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) از تمامی کارگران و زحمتکشان می‌خواهد تا صدور احکام قضایی علیه متهمان پرونده هفت‌تپه را محکوم و از نماینده زندانی کارگران هفت‌تپه و دیگر حامیان زندانی هفت‌تپه حمایت کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از تمامی مدافعان حقوق و منافع کارگران، در داخل و خارج کشور و نیز تشکلات کارگری در داخل و خارج کشور می‌خواهد تا در اشکال گوناگون به دفاع از متهمان پرونده هفت‌تپه برخاسته و خواستار لغو این احکام ظالمانه شوند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**  
**نابود باد نظام سرمایه‌داری**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۱۶ شهریور ۱۳۹۸**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

## بندبازی جمهوری اسلامی بر روی لبه تیغ

آژانس داشته باشیم، گفت: "سانتیریفیورها همانطور که تحقیق و توسعه می کنند به انباشت ذخایر ما کمک می کنند. این اقدام از دیروز انجام و امروز به آژانس اعلام شد و تولیدات تحقیقاتی به ذخایر ما افزوده می شوند". لازم به ذکر است که طبق توافق هسته ای برجام، اقداماتی را که جمهوری اسلامی از روز جمعه شروع به انجام آن کرده است، تنها پس از ۱۱ سال از امضای توافق برجام می توانست بدان مبادرت کند.

با خروج آمریکا از برجام، هیات حاکمه ایران تاکنون در سه مرحله اقدام به کاهش تعهدات هسته ای خود کرده است. گام اول، عبور از میزان وزنی اورانیوم غنی شده و آب سنگین بود که پس از انقضای مهلت ۶۰ روزه اول، میزان اورانیوم غنی شده از سقف ۳۰۰ کیلوگرم و آب سنگین نیز از ۱۳۰ تن بالاتر رفت. گام دوم، افزایش میزان غلظت غنی سازی اورانیم بود که آن هم طی دو ماه گذشته از میزان ۶۷٪ / ۳ درصد مورد توافق برجام بالاتر رفت و به ۴/۵ درصد رسید. همزمان با شروع عملیاتی شدن مرحله دوم کاهش تعهدات برجامی، حسن روحانی با تعیین یک مهلت ۶۰ روزه دیگر اعلام کرد: "در صورتی که مشکل فروش نفت و دریافت پول آن همچنان باقی بماند، جمهوری اسلامی در گام سوم، **غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم** را شروع خواهد کرد". (تاکید از ماست)

حال با پایان یافتن اولتیماتوم ۶۰ روزه سوم، اجرای تهدیدات این مرحله که طبق گفته روحانی قرار بود با "غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیم" آغاز شود، به یکباره رنگ باخت و به جای آن "توقف تمام تعهدات تحقیق و توسعه هسته ای" قرار گرفت. چرا که کشورهای باقیمانده در برجام همان موقع اعلام کرده بودند که ورود جمهوری اسلامی به غنی سازی ۲۰ درصدی خط قرمز آنان است. لذا، این عقب نشینی صریح و آشکار دولت ایران از غنی سازی ۲۰ درصدی را باید در شرایط پیچیده، دشوار و شکننده ای که طبقه حاکم در آن دست و پا می زند، ارزیابی کرد. با این همه، مرحله سوم کاهش تعهدات برجامی جمهوری اسلامی در شرایطی آغاز شده است، که هیات حاکمه ایران طی دو هفته گذشته برای رسیدن به یک توافق نسبی با اتحادیه اروپا جهت آزاد شدن صدور دست کم ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز و یا دریافت ۱۵ میلیارد دلار خط اعتباری به مدت ۴ ماه به ازای پیش خرید نفت ایران توسط کشورهای اروپایی امید زیادی به رایزنی های دیپلماتیک مکررون، رئیس جمهوری فرانسه بسته بود. این امید در روزهای پیش از نشست آمریکا و دیگر کشورهای گروه ۷ در فرانسه شکل گرفت، در تماس تلفنی چندین ساعته مکررون و روحانی شتاب بیشتری گرفت و با سفر محمد جواد ظریف و مذاکرات مستقیم او با ماکرون آنهم در حاشیه نشست گروه ۷ باز هم

بیشتر شد. همزمان با سفر ظریف به فرانسه، اتخاذ موضع تاکتیکی و فریبکارانه روحانی در بیان اینکه "به خاطر مردم حاضر است با هر شخصی دیدار کند" آنچنان به این امید واهی دامن زد که ماکرون در نشست خبری مشترک خود با ترامپ، آشکارا از دیدار قریب الوقوع حسن روحانی و دونالد ترامپ در آینده ای نزدیک سخن گفت.

اما همه این اتفاقات، همانگونه که در سرمقاله کار شماره ۸۳۶ نوشتیم، تماما هیاهویی بود که در ۲۴ ساعت به اوج رسید و پس از آن به سرعت فرو نشست. با فروکش کردن امید واهی دل بستن به دیپلماسی مکررون و فرآیند آن شکست توهمات خیالپردازانه رسیدن به حداقلی از توافقات مورد نظر میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، ورق به یکباره برگشت و شرایط برای جمهوری اسلامی از آنچه که بود باز هم سخت تر شد.

با شکست این توهم خوشبوارانه، ابتدا مکررون زمینه های رسیدن به توافق بر سر حداقل هایی از صدور نفت ایران و یا گشایش خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری اتحادیه اروپا برای پیش خرید نفت ایران را منوط به رضایت دولت آمریکا دانست. با اعلام این موضع مکررون، حسن روحانی نیز ضمن رد هرگونه دیدار و مذاکره با ترامپ، رسیدن به توافق با اروپا را مورد تردید قرار داد. از اینرو، روحانی در تماس مجدد خود با مکررون بر "تغییر ناپذیری برجام" تاکید کرده و با توجه به عدم هرگونه چشم انداز مثبتی در رسیدن به توافق با اروپا بر سر فروش نفت جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۳ شهریور اعلام کرد: بعید می دانم امروز و فردا با اروپا به نتیجه برسیم" و لذا گام سوم را اعلام خواهیم کرد. روحانی با بیان اینکه: "گام سوم شتاب ویژه ای به فعالیت های سازمان انرژی اتمی خواهد داد، گفت: "ظاهر گام سوم خیلی تکان دهنده نیست ولی باطن آن فوق العاده مهم است".

همزمان با این اعلام موضع حسن روحانی در کاهش باز هم بیشتر تعهدات هسته ای جمهوری اسلامی، مقامات آمریکا نیز هرگونه کاهش یا معافیت از تحریم های هسته ای را منتفی دانستند. مورگان اورتاگوس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: "مقامات ایران رسماً به باج خواهی متوسل شده و گفته اند ۱۵ میلیارد دلار تحویل ما بدهید وگرنه ما برنامه هسته ای خود را جلو می بریم... این کار بسیار شبیه تهدیدهای چند ماه پیش آنهاست و برایشان به یک عادت تبدیل شده است". در همین رابطه دونالد ترامپ نیز با رد پیشنهاد کاهش تحریم ها علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد: "چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد، چنین اتفاقی روی نخواهد داد."

اکنون، بر بستر چنین روند پر تنش که طی روز های بعد از نشست گروه ۷ و شکست دیپلماسی

مکررون شکل گرفت، پیش از آنکه دولت ایران گام سوم کاهش تعهدات هسته ای خود را رسماً اعلام و شروع کند، مقامات آمریکایی با همان سیاست اعمال فشار حداکثری یک رشته تحریم های جدیدی را پیشاپیش علیه جمهوری اسلامی وضع کردند. سازمان فضاوردی و یک شبکه خطوط کشتیرانی که سپاه پاسداران مسئول اداره آن معرفی شده همراه با ۱۶ شرکت، ۱۰ شخص حقیقی، ۱۱ کشتی و نیز تعیین پاداش ۱۵ میلیون دلاری برای هرگونه اطلاعاتی که به توقف و پرده برداری از مکانیسم های عملیاتی سپاه پاسداران و نیروی قدس کمک کند، از جمله اقدامات و مواردی هستند که در فهرست تحریم های اخیر دولت آمریکا گنجانده شده اند.

اتخاذ تحریم های جدید و تمامی اقدامات تاکنونی دولت آمریکا به روشنی نشان داده است که ترامپ حاضر به کوتاه آمدن در مقابل جمهوری اسلامی نیست. ادامه این روند برای طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن طبیعتاً چندان آسان نخواهد بود. عقب نشینی تهدیدآمیز حسن روحانی از "غنی سازی ۲۰ درصدی" به "توقف تمام تعهدات تحقیق و توسعه هسته ای" در مرحله سوم را باید نخستین نشانه قرار گرفتن جمهوری اسلامی بر لبه تیغ در این دوره دانست.

وقتی ماکرون رئیس جمهوری فرانسه که طی یک ماه گذشته سکان دیپلماسی و چانه زنی برای رسیدن به یک توافق حداقلی میان جمهوری اسلامی، اتحادیه اروپا و دولت آمریکا را در دست داشت و پس از روزها مذاکره با طرفین نزاع با شرمندگی اعلام کرد که رسیدن به هرگونه توافقی بر سر فروش نفت و یا ایجاد یک خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری برای پیش خرید نفت ایران بدون رضایت آمریکا عملی نیست، بهتر می توان شرایطی را که جمهوری اسلامی در آن گیر کرده است، دریافت. شرایطی که گذار از آن برای هیات حاکمه ایران به دشواری ممکن است صورت گیرد. همه این واقعیات بیانگر این نکته است که "برجام" از مدت ها پیش مرده و دیگر چیزی از آن باقی نمانده است. مضافاً اینکه از دست اروپا نیز با همه زوری که برای بر سر دست نگاه داشتن تابوت این توافق می زند، دیگر کاری ساخته نیست. شکل گیری این وضعیت، همان بن بست است که جمهوری اسلامی اکنون در آن گیر کرده است و نمی داند چه کار باید بکند.

طبق گفته خامنه ای انتخاب گزینه مذاکره با آمریکا، "سم مضاعف" است و ادامه این وضعیت نیز با وجود خالی بودن خزانه دولت و بحران های متعددی که از هر طرف بر گلوی رژیم جنگ انداخته اند، برای نظام چندان آسان نیست و خواهد بود. یک دو راهی خطرناک که نه دست کشیدن از سیاست های توسعه طلبانه و پان اسلامستی رژیم برای رفتن پای میز مذاکره با آمریکا برایش آسان است و نه ادامه وضعیت نه جنگ و نه مذاکره به راحتی برایش مقدور

در صفحه ۷

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

## طبقه کارگر همچنان در صحنه مبارزه است و پیشتاز

## بندبازی جمهوری اسلامی بر روی لبه تیغ

اهواز احضار شده‌اند. در نامه‌های جداگانه‌ای که برای این کارگران ارسال شده از آنان خواسته شده است در روزهای آینده خود را به شعبه ۲۰ این دادگاه معرفی کنند. اگرچه غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضائیه، روزیکشنبه ۱۷ شهریور اعلام کرد، برای این کارگران قرار منع تعقیب صادر شده است، اما در پی تشدید سرکوب و ارباب کارگران، هرآینه امکان و احتمال احضار و محاکمه کارگران پیشرو فولاد وجود دارد. مهم‌تر از این احکام بسیار سنگینی است که بیدادگاه رژیم علیه متهمان پرونده هفت تبه صادر نموده است. روز شانزده شهریور خیرشوکه آور احکام مربوط به متهمان این پرونده در فضای مجازی منتشر شد. برپایه این خبر، اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تبه به ۱۴ سال زندان، محمد خنیفر از دیگر کارگران هفت تبه به ۶ سال زندان، سپیده قلیان به ۱۸ سال، و اعضای تحریریه نشریه اینترنتی "گام"، امیرحسین محمدی فرد، ساناز اللهیاری، عسل محمدی، و امیرامیرقلی نیز هریک به ۱۸ سال زندان محکوم شده‌اند.

صدور احکام بسیار سنگین بی‌دادگاه رژیم و ۱۱۰ سال حبس برای ۲ کارگر و ۵ مدافع حقوق کارگر، به روشنی کینه و دشمنی طبقه حاکم نسبت به طبقه کارگر و مدافعین حقوق این طبقه را نشان می‌دهد. تمام این وحشی‌گریها و سخت‌گیری‌ها برای مرعوب ساختن و ساکت کردن کارگران است. اما تجارب تانکونی نشان داده است که کارگران مرعوب نخواهند شد و به حکم موقعیتی که دارند راه دیگری جز مبارزه و تشدید آن ندارند. ده‌ها و صدها هزار کارگر آماده‌اند که در راه هفت تبه قدم بگذارند. آیا ارتجاع‌ها حاکم می‌تواند تمام این کارگران را دادگاهی و زندانی کند؟

اوضاع نابسامان در واحدهای تولیدی و صنعتی خصوصی‌سازی شده، تنها به هفت‌تبه و آذرباب و هیپکو و فولاد و کنتورسازی خلاصه نمی‌شود. در ده‌ها و صدها واحد تولیدی و صنعتی در سراسر کشور که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، یا تولید به کلی ناپود و کارگران آن اخراج و بیکار شده‌اند و یا در بهترین حالت به سرنوشتی مشابه هیپکو، آذرباب، هفت‌تبه، فولاد و کنتورسازی قزوین و امثال آن دچار شده‌اند. بسیاری از آن‌ها از نمونه‌های آنگان اراک، به کلی تعطیل و تمام کارگران آن بیکار شده‌اند و زمین‌های آن مورد استفاده‌های دیگری قرار گرفته‌اند. هیپکو، هفت‌تبه، فولاد و آذرباب اما در برابر این روند ایستاده‌اند. در هیپکو و آذرباب که شاهد دور جدیدی از اعتصاب و اعتراض خیابانی در آن هستیم، اکنون بحث از این است که این واحدها به قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران واگذار شود. تمامی شواهد موجود نشان می‌دهد که به رغم اعتصابات و اعتراضات مکرر کارگران این دو واحد، دولت و کارفرمای این واحدها تا این لحظه، از پذیرش خواست‌های کارگران طفره رفته‌اند و به سیاست خود یعنی بی‌توجهی به خواست‌های کارگران ادامه داده‌اند.

دولت به‌رغم وعده‌ی بر طرف کردن مشکلات این واحدها و رسیدگی به وضعیت کارگران، در حال حاضر سرگرم تغییر مدیریت این واحدها و گماردن مدیران دولتی در آن‌هاست. خبرگزاری فارس اعلام کرد، سازمان خصوصی‌سازی، ابوالفضل روغنی گلپایگانی (رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران) را که از سوی استانداری استان مرکزی معرفی شده بود، به عنوان مدیرعامل هلدینگ هیپکو منصوب نموده است. اما خواست کارگران آذرباب و هیپکو، تغییر و جابجایی افراد و مدیران نیست. خواست کارگران آذرباب و هیپکو پرداخت فوری تمام مطالبات معوقه، پرداخت حق بیمه، ادامه کاری و تضمین شغلی است. کارگران آذرباب و هیپکو خواهان بهبود شرایط کار و دستمزد و تشکل مستقل در نهایت خواهان بازگرداندن اداره این واحدها به دولت با نظارت کارگران‌اند.

پس از جلسه "هیات وزیران" و بررسی وضعیت هیپکو و آذرباب مورخ چهارشنبه ۱۴ شهریور، واعظی رئیس دفتر رئیس جمهور در مورد خواست کارگران آذرباب به دروغ اعلام کرد "خواست کارگران این است که هر چه زودتر مدیرشان انتخاب شود" وی گفت "تا زمانی که مدیر برای این شرکت معرفی نشود، امکان پرداخت حقوق و معوقات وجود ندارد".

این اظهارات نشان می‌دهد که کابینه روحانی نیز آشکارا کارگران را سر می‌دواند و سعی می‌کند با اتلاف وقت و وعده‌های دروغ، آنان را از ادامه اعتصاب و اعتراض خیابانی باز دارد.

اما وضعیت این دو واحد و مبارزات کارگران هیپکو و آذرباب، از این مراحل بسیار فراتر رفته است و این ترفندها تاثیری در روند مبارزات کارگران و رشد این مبارزات ندارد. کارگران آذرباب با شعار "مشکل ما حل نشه - شهر قیامت میشه" پاسخ خود را از قبل به این ترفندها و بی‌توجهی‌ها داده‌اند.

هیپکو وارد خیابان شده و ده روز مهلت داده است تا به خواست‌هایش رسیدگی شود. از پی هیپکو، آذرباب خیابان‌های شهر اراک را درنوردید و از هم اکنون صدای پای فولاد و هفت‌تبه نیز شنیده می‌شود. هیچ نیرویی جلودار مبارزه طبقه کارگر نیست. نه احضارهای پی در پی، نه ارباب و تهدید و شلاق واحکام سنگین زندان، هیچ‌کدام نمی‌تواند ده‌ها هزار کارگر آذرباب، هیپکو، فولاد، هفت‌تبه و ده‌ها واحد مشابه آن را از صحنه مبارزه حذف کند. طبقه کارگر که پاییز سال گذشته تمام صحنه نبرد با طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن را اداره و هدایت می‌کرد، همچنان در صحنه است و نه فقط در صحنه است، بلکه پیشتاز مبارزه گسترده‌تری است که عموم زحمتکشان و تهیدستان در آن حضور یافته‌اند.

است. با این همه و به رغم همه تنگناهایی که برای جمهوری اسلامی در گزینه مذاکره با دولت آمریکا وجود دارد، محتمل‌ترین راه برای برون رفت طبقه حاکم از وضعیت موجود باز هم همان گزینه مذاکره با آمریکا است. راهی بسیار دشوار و شکننده که جمهوری اسلامی دیر با زود از سر استیصال به آن تن خواهد داد. گزینه‌ای که دولت آمریکا هیچ عجله‌ای برای آن ندارد و با اعمال فشار تحریم‌های حداکثری علیه جمهوری اسلامی، از مدت‌ها پیش توپ را در زمین هیات حاکمه ایران انداخته است.

تردیدی نیست که انتخاب جمهوری اسلامی در گزینه مذاکره با آمریکا، ارتباط تنگاتنگی با تحولات اجتماعی و گسترش مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش جامعه دارد. طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن، تاکنون به شکل‌های مختلف نشان داده است که طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مرم ایران را دشمن اصلی خود می‌دانند نه دولت آمریکا را. این نظام به دفعات ثابت کرده است تا زمانی که بحران‌های اجتماعی و حرکت مبارزاتی کارگران و توده‌های زحمتکش ایران زنگ خطری برای ادامه استمرار نظام نباشد، آنان به اینگونه بندبازی‌های خود حتماً بر روی لبه تیغ هم باشد، ادامه خواهند داد. اما اگر اعتصابات کارگری، جنبش‌های اجتماعی زنان، دانشجویان، اعتراضات معلمان، نویسندگان و مبارزات عموم توده‌های زحمتکش ایران زنگ خطر را برای استمرار و بقا طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن به صدا درآورد، آنگاه همین نظام اسلامی با همه مختصات پان‌اسلامیستی و ایدئولوژیک خود، بی‌درنگ و بدون کمترین تاملی با تکیه بر اصل جادویی "مصلحت نظام" به مذاکره با هر کس و هر دولتی تن خواهد داد. حتماً اگر این کشور و دولت، کشور "شیطان بزرگ" باشد، لذا، با توجه به مجموعه شرایط موجود به نظر می‌رسد تا روزهای حضور مبارزاتی گسترده و همگانی کارگران و توده‌های مردم ایران در کارخانه و خیابان و مدرسه و دانشگاه، جمهوری اسلامی تا آنجا که برایش مقدور باشد با سر شکن کردن فشار تحریم‌ها به روی توده‌های مردم ایران و با اتخاذ توامان تشدید سرکوب و اتخاذ همین شیوه‌های بندبازی بر لبه تیغ ادامه داده و در برابر رفتن پای میز مذاکره مقاومت خواهد کرد.



## کودک همسری، پدیده‌ای که به وسعت سراسر ایران گسترده است

نیستند که رژیم بتواند با به راه انداختن هیاهوی تبلیغاتی آن‌ها را خاتمه یافته اعلام کند، بلکه صرفاً نمونه‌های کوچکی از یک پدیده بزرگاند. کودک همسری در ایران ابعادی گسترده به وسعت سراسر ایران دارد و به یک گروه حتی چندین هزار نفره نیز محدود نمی‌شود.

این‌که کودک همسری چه عواقب وخیمی برای این دختران کم سن و سال دارد، بدیهی است که زندگی آن‌ها از همان دوران کودکی تباه می‌شود. کودک همسران، دیگر از دوران کودکی زندگی خود محروم می‌شوند. از تحصیل بازمی‌مانند و هرگونه چشم‌انداز یک زندگی بهتر را برای همیشه از دست می‌دهند. آن‌ها با خشونت، آزار جنسی و فیزیکی، تجاوز و انواع سوءاستفاده‌ها مواجه می‌شوند، گرفتار بیماری‌های گوناگون جسمی و روانی، جنسی و مقاربتی، بیماری‌های ناشی از بارداری، افسردگی، فرسودگی ناشی از نگهداری فرزند می‌گردند و سرانجام با خودکشی و یا مرگ زودهنگام ناشی از انواع و اقسام بیماری‌ها و سختی‌ها، زندگی‌شان پایان می‌یابد.

گروهی از این کودک همسران تلاش می‌کنند که با گرفتن طلاق، خود را از مصائبی که با آن مواجه‌اند نجات دهند، اما قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی راه نجات آن‌ها را از این اسارت می‌بندد. اگر هم بتوانند بر این موانع غلبه کنند، تازه به نقطه‌ای می‌رسند که بر طبق همان قوانین، اراده‌ای از خود ندارند و از آنجائی که به سن قانونی نرسیده‌اند، تنها با اجازه پدر و به همراه او است که می‌توانند به دادگاه شکایت کنند.

از آنجائی که گروه کثیری از این کودک همسران به ازدواج مردانی درمی‌آیند که گاه ده‌ها سال از آن‌ها بزرگ‌ترند، پس از مدتی آنها تبدیل به کودک بیوه‌ای می‌شوند با فقر و رنج‌های جدید.

به گفته نماینده شیبستر در مجلس ارتجاع اسلامی، ۲۴ هزار بیوه زیر ۱۸ سال در ایران وجود دارد و در گروه سنی زیر ۱۴ سال از بین ۴۰۰۰ ازدواج ۱۰۰۰ مورد طلاق گزارش شده است.

اما علت پدیده کودک همسری و گسترش روزافزون آن در ایران چیست؟

پژوهشگران و متخصصان مسائل اجتماعی در ایران، در اظهارنظرهای خود پیرامون علت این پدیده و گسترش آن معمولاً به یک‌رشته عوامل متعدد از جمله رسم و رسوم، سنت، عرف، ناموس و شرف، پدرسالاری، روابط خانوادگی و قبیله‌ای، نابرابری جنسیتی، بی‌سوادی، ناآگاهی، عقب‌ماندگی فرهنگی، فقر، تنگنای قانونی و غیره اشاره می‌کنند تا علت اساسی و سرمنشأ ریشه‌ای این پدیده که همانا نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران است، در میان این عوامل متعدد کم و محو شود. درحالی‌که تمام این عوامل گفته و تعداد دیگری از عوامل ناگفته به نظامی بازمی‌گردد که بر ایران حاکم است. فهمیدمترین این پژوهشگران و متخصصین به فقر به‌عنوان عاملی مهم در میان عوامل مختلف اشاره می‌کنند. این‌یک واقعیت است. اگر به تمام مواردی که از کودک همسری برملا شده است، رجوع شود، آشکار است، که خانواده‌ای فقیر، بیکار، گرسنه، معتاد حاضر شده است کودک دختر خود را در سنی پائین به ازدواج وادارد. تفاوتی هم نمی‌کند که در اردبیل و زنجان و قزوین باشد یا در دورافتاده‌ترین نقطه در بلوچستان و خراسان،

همین خبرگزاری می‌نویسد: "بر اساس آمار، سالانه بیش از ۳۰۰ ازدواج زیر سن ۹ سال و ۳۰ تا ۴۰ هزار ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال اعلام شده است. اما بسیاری از ازدواج‌های کودک همسری اصولاً در دفتر ثبت ازدواج ثبت نمی‌شوند."

گزارش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان داده است که در فاصله سال‌های ۹۱ تا ۹۵ بین ۹/۴ تا ۶/۵ درصد ازدواج‌های دختران، در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بوده است.

آمارهای منطقه‌ای سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد بیشترین تعداد ازدواج دختران زیر ۱۰ سال مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان و زنجان است، اما بیشترین ازدواج زیر ۱۵ سال به ترتیب در استان‌های زنجان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، همدان، قزوین و بلوچستان رخ داده است.

بر اساس جدیدترین آمار ۱۷ درصد از ازدواج‌های کشور مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۸ سال است، این در حالی است که این آمار تنها ازدواج‌های ثبت‌شده را در برمی‌گیرد.

این ارقام در حال افزایش است و برای برخی استان‌ها ابعاد بزرگتری به خود می‌گیرد.

نماینده اردبیل و عضو کمیسیون برنامه‌بودجه در اردیبهشت‌ماه سال جاری گفت: ۴۳ هزار ازدواج ثبت‌شده در سن ۱۰ الی ۱۵ سال، افت شاخص‌های انسانی و نشانه فقر در آموزش همگانی و تنزل در رفاه عمومی است.

مدیرکل ثبت‌احوال کردستان اخیراً، در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا اعلام کرد: ۷ / ۱۵ درصد از ازدواج‌های ثبت‌شده طی چهارماهه اول امسال، سن زوجه کمتر از ۱۸ سال بوده است.

مدیرکل بهزیستی استان اردبیل در ۱۳ شهریور امسال در گفت‌وگو با ایرنا گفت: "تنوع پدیده کودک همسری در این استان نگران‌کننده بوده و برای توقف این روند باید چاره‌ای اندیشیده شود.

او افزود: از مجموع ۱۲ هزار ازدواج سال گذشته در استان ۲۷ درصد در سن ۱۰ تا ۱۴ سال دختران بوده و این در حالی است که ۴۲ درصد از مجموع ازدواج‌های این استان را نیز دختران زیر ۱۹ سال تشکیل می‌دهند. یعنی نزدیک به نیمی از ازدواج‌های این استان در مقوله کودک همسری قرار دارد.

اکنون با توجه به این‌که بر طبق تمام موازین بین‌المللی که مورد تأیید سازمان ملل نیز قرار گرفته است، تمام افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند، اگر رقم اعلام شده ۴۳ هزار ازدواج ثبت‌شده در سن ۱۰ الی ۱۵ را در هر سال مبنا قرار دهیم و تعداد کودک همسران تا سن ۱۸ سال را بر آن بیفزاییم و آن گروه از کودکانی را که در برخی مناطق عقب‌افتاده و دورافتاده ازدواجشان اساساً در جای ثبت نمی‌شود به‌حساب آوریم، با قطعیت می‌توان گفت آمار کودک همسری در ایران در هر سال رقمی بین ۵۰ تا ۶۰ هزار خواهد بود. با این محاسبه، مجموع کودک همسران در سراسر ایران سر به چند صد هزار خواهد زد.

بنابراین، روشن است که نمونه دختر کودکان الیگودری، ایلامی و مشهدی پدیده‌های منفردی

این میان تغییر نکرد و کمترین گام برای حل یا تخفیف پدیده نفرت‌آور و رسوای کودک همسری در جامعه ایران برداشته نشد، بلکه رژیم برای فرونشاندن خشم و اعتراض مردم "احساس کرده" که "مصلحت نیست عقد موقت هم باشد" فعلاً باید این عقد فسخ شود. درواقع از دیدگاه رژیم اتفاق خاصی رخ نداده است چون "این عقد موقت طبق رسومات محلی و عشیره‌ای انجام شده و تنها برای نامگذاری پسر و دختر برای هم انجام شده تا دختر به سن همسرداری برسد." و "جهت جلوگیری از برخی مسائل و مشکلات شرعی بوده است"

اساساً حتی بر طبق قوانین و مقررات زن‌ستیزانه و ارتجاعی رژیم هم از این بابت، جرمی رخ نداده، چراکه پدیده‌ای عادی است و بر طبق قوانین جمهوری اسلامی ثبت ازدواج قبل از رسیدن به سن ۱۳ سالگی برای دختر و ۱۵ سالگی برای پسر با اجازه پدر کودک و جد پدری، البته با مصلحت دادگاه مجاز اعلام شده است. پوشیده نیست که تشخیص و مصلحت دادگاه در اینجا فرمالیته است.

وقتی‌که قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی به ولی کودک اجازه می‌دهد که دختر خردسال زیر ۱۳ سال را به عقد ازدواج یک مرد درآورد، دادگاه دلیلی بر مخالفت نخواهد داشت. حتی نیازی به دادگاه هم نیست، چون بر طبق رسم و رسوم جاری عشیره‌ای، عاقد محلی هم می‌تواند "در قالب یک دست‌نوشته یا پشت جلد قرآن، به این ازدواج مشروعیت شرعی ببخشد.

اما از دیدگاه دستگاه قضائی جمهوری اسلامی جرمی که رخ داده، انتشار فیلم کودک همسری در شبکه‌های اجتماعی است که به لحاظ قانونی موجب تشویش اذهان عمومی شده، خشم مردم را برانگیخته و از این روایت که به گفته رئیس دادگستری "به‌منظور رسیدگی به جرم انتشار این فیلم، شکی جهت طرح شکایت به دانسرای عمومی و انقلاب شهرستان بهمنی هدایت شد. که پس از بررسی صحت‌وسقم شکایت و شناسایی متهم برخورد قضایی متناسب انجام شود."

ظاهراً اکنون خشم و حساسیت فروکش کرده است و این مورد هم نظیر موارد متعدد آن در گذشته، از نمونه رها، کودک ۱۱ ساله ایلامی که در ازای ۱۵ میلیون تومان به ازدواج مردی ۴۴ ساله درآورده شد و در بهمن‌ماه سال گذشته علنی شد یا در شهریورماه همان سال، ماجرای نوعروس ۹ ساله مشهدی که به ازدواج مردی ۳۶ ساله درآمده بود، یا سه دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ای که در سال ۹۵ به عقد مردانی ۷۰ ساله درآمدند، فراموش می‌شود، بدون این‌که مسئله‌ای که به وسعت سراسر ایران گسترده است و هر سال هزاران نمونه آن رخ می‌دهد بدون این‌که به گوش کسی برسد، حل و یا از دامنه آن کاسته شود.

ببینیم آمار و گزارش‌های منابع خود رژیم از ابعاد آنچه کودک همسری در ایران نام‌گرفته است چه می‌گویند.

به گزارش ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی: "طبق آمار در شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۷ میزان ازدواج دختران (۱۴-۱۰) ۱۷۴۸۶ مورد، یعنی حدود ۷ درصد از ازدواج‌ها بوده است



## کودک همسری، پدیده‌ای که به وسعت سراسر ایران گسترده است

ایلام و کهگیلویه . حتی در عقب‌ماندترین روستاها و در جایی که هنوز مناسبات عشیره‌ای وجود دارد، افرادی که وضعیت مادی و معیشتی‌شان بهتر از دیگران است، کودکان دختر خود را به شهرهای نزدیک برای تحصیل و سوادآموزی و احتمالاً دانشگاه می‌فرستند. اما خانواده‌های فقیر، که با فقر و گرسنگی زندگی می‌کنند، بیکار و احتمالاً معتادند، روشن است که می‌خواهند هرچه زودتر تعداد نان‌خور خانواده را کم کنند. از این‌روست که این خانواده‌ها پسران خردسال خود را پی یافتن کار می‌فرستند و کودکان دختر را به‌اصطلاح شوهر می‌دهند تا نه‌فقط از هزینه خوردخوراک و لباس و احتمالاً تحصیل آن‌ها رها شوند، بلکه پولی هم بابت شیربها و مهریه دختر به دست آورند و با دختر خردسال خود را در ازای بدهی خود به یک مرد مسن واگذار کنند، یا دقیق‌تر بفرهوشند. اما گفتن این‌که فقر یک عامل عمده اصلی در پدیده کودک همسری است، نراهی به حل این معضل اجتماعی کمک نخواهد کرد، مگر آنکه روشن شود که خود این فقر از کجا ناشی می‌شود و ریشه آن در کجاست. وقتی که این مسئله فهمیده شود، آنگاه روشن می‌گردد که کودک همسری با نظم اقتصادی- اجتماعی حاکم بر ایران مرتبط است که موجودیتش بر انباشت فقر و ثروت در دو قطب جامعه قرار گرفته است و بدون مبارزه با این نظم نه می‌شود فقر را برانداخت و نه کودک همسری را .

اگر به علل و عوامل دیگری هم که توسط این متخصصین نامبرده می‌شود، از جمله مناسبات خانوادگی، عشیره‌ای و رسم و رسوم ارتجاعی عقب‌مانده هم رجوع شود، باز هم آشکار است که برجای ماندن این رسم و رسومات و بقایای نظام عشیرتی به سرمایه‌داری حاکم بر ایران بازمی‌گردد که هیچ‌گاه نتوانسته و نمی‌تواند با این پسماندهای قرون‌وسطایی تسویه حساب کند. این متخصصان و صاحب‌نظران به تنگنای قانونی هم اشاره می‌کنند، اما نمی‌گویند که این تنگنا نیز ناشی از نقش مخربی است که دین اسلام، دستگاه روحانیت و دولت مذهبی در جامعه ایران برعهده‌گرفته که نیاز نظم سرمایه‌داری پوسیده ایران و طبقه سرمایه‌دار فوق ارتجاعی است. در کشوری که مقررات اسلامی حاکم است و دولت مذهبی زن را انسانی درجه‌ی پایین‌تر از مرد می‌داند و در قوانین رسمی‌اش کودک همسری را حتی پایین‌تر از ۱۳ سال هم مجاز می‌داند، روشن است که این دولت خودش مبلغ و مروج کودک همسری است و این دولت، جزئی جدائی‌ناپذیر از نظم اقتصادی اجتماعی حاکم بر ایران است. بنابراین آشکار است که تمام علت‌هایی که متخصصین بورژوازی به آن‌ها اشاره می‌کنند، به نحو لاینفکی با تمام نظم اقتصادی- اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران مرتبط است و نمی‌توان جز با دگرگونی این نظم که همراه خواهد بود با برانداختن فقر و نابرابری، بیکاری، اعتیاد، برانداختن رسم و رسومات قرون‌وسطایی، برانداختن تبعیض و نابرابری نسبت به زنان، برانداختن دولت مذهبی با تمام قوانین و مقررات ارتجاعی و اسلامی‌اش، پدیده قرون‌وسطایی و ارتجاعی، کودک همسری را برانداخت.

## علیه احضار کارگران فولاد اهواز به اعتراض برخیزیم

میثم آل مهدی از فعالان کارگری گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در توییت خود خبر داد که "دادگاه انقلاب" اهواز با ارسال نامه‌های جداگانه به ۴۱ نفر از کارگران فولاد از آنها خواسته در روزهای آینده خود را به شعبه ۲۰ این دادگاه معرفی کنند. کارگران فولاد اهواز که برای دفاع از حقوق انسانی خود به مبارزه برخاستند، بار دیگر به اتهام "اخلال در امنیت کشور"، "اعتراضات غیرقانونی" و سر دادن "شعارهای سیاسی" به بی‌دادگاه رژیم احضار شده‌اند.

کارگران فولاد اهواز در پانزده سال گذشته همزمان با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه یکی از با شکوه‌ترین و طولانی‌ترین اعتصابات و اعتراضات خیابانی تاریخ جنبش کارگری ایران را سازمان دادند. اعتصاب و اعتراض کارگران برای دریافت حقوق‌های معوقه، علیه توقف خط تولید و تحقق دیگر خواسته‌هایشان بیش از یک ماه به طول انجامید. در ادامه این اعتراضات نیروهای امنیتی و سرکوبگر جمهوری اسلامی در اواخر آذر ماه شبانه به منازل کارگران فولاد اهواز یورش برده و ده‌ها تن را بازداشت کردند. در آزمون مبارزات پیگیرانه و متحدانه کارگران فولاد اهواز و هفت تپه و انعکاس گسترده اخبار آن در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های داخلی و خارجی موج گسترده‌ای از حمایت و اعلام همبستگی به دنبال داشت. بخش‌هایی از کارگران ایران و فعالین جنبش کارگری در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی در تجمع‌های خود و یا با صدور بیانیه‌های حمایتی همبستگی خود را با کارگران فولاد اهواز و هفت تپه اعلام داشتند. "معلمان مبارز، دانشجویان، زندانیان سیاسی، نویسندگان، روشنفکران آزاده و انسان‌های مبارز و آزادیخواه در برخی از شهرهای ایران از مبارزات حق طلبانه کارگران هفت تپه و فولاد اهواز پشتیبانی کرده و تهدید و بازداشت فعالین و نمایندگان کارگران را محکوم کردند .

اکنون احضار ۴۱ تن از کارگران فولاد به دادگاه ضد انقلاب، یک ماه بعد از دادگاهی اسماعیل بخشی، علی‌نجاتی و حامیان و یاران دلسوز جنبش کارگری در یکی از بی‌دادگاه‌های رژیم و محکومیت آنان به تحمل زندان و شلاق نشانه اوج استیصال و هراس رژیم جمهوری اسلامی از تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری است. تشدید فشار و سرکوب علیه رهبران و فعالان جنبش کارگری سیاست آگاهانه‌ای است که همه جناح‌های حکومتی بر سر آن توافق نظر دارند. احضار کارگران فولاد اهواز و اعمال فشار بر فعالان کارگری، پیام دولت اسلامی سرمایه‌دارن حاکم بر ایران به رهبران کارگری در شرکت هپکو و آذر آب اراک، پارس جنوبی و کلیت جنبش کارگری است. همه جناح‌های رژیم به خوبی تشخیص داده‌اند که در متن بحران همه‌جانبه‌ای که رژیم با آن دست به گریبان است و بر متن تداوم اعتراضات و اعتصابات کارگری و جنبش‌های اعتراضی در جامعه، چه خطری و از جانب کدام بخش جامعه، حاکمیت طبقه سرمایه‌دار را تهدید می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی از نقش آگاهی بخش و سازمان‌گرا فعالان و پیشروان کارگری در جریان اعتراضات و اعتصابات کارگری آگاه است، از این‌رو سعی دارد با احضار، دادگاهی کردن و محکوم کردن رهبران و فعالان شناخته شده و تأثیرگذار جنبش کارگری به زندان و شلاق، از دیگر فعالان و پیشروان طبقه کارگر ایران زهر چشم بگیرد. تعرض آشکار رژیم به فعالان کارگری در فولاد اهواز و هفت تپه بخشی از یک نبرد طبقاتی است. همه بخش‌های جنبش کارگری ایران باید احضار رفقا و هم طبقه‌ای‌های خود در فولاد اهواز به بی‌دادگاه‌های رژیم را تعرض به خود تلقی کنند و با اعلام همبستگی با کارگران فولاد اهواز با هر شکلی که می‌توانند برای خنثی کردن و به عقب نشاندن رژیم از این تعرض افسار گسیخته متحدانه تلاش کنند. تشدید فشار و سرکوب و تعرض به جنبش کارگری را تنها با همبستگی طبقاتی می‌توان درهم شکست. ما امضاکنندگان این اطلاعیه ضمن محکوم کردن احضار کارگران فولاد به بی‌دادگاه رژیم سرمایه‌داران، همه بخش‌های جنبش کارگری و جنبش‌های پیشرو اجتماعی را به همبستگی با کارگران فولاد اهواز فرا می‌خوانیم .

در خارج از کشور احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و نهادهای مدافع جنبش کارگری و مبارزات آزادیخواهانه در ایران لازم است با برپایی کارزارهای سیاسی و تبلیغی به حمایت از فعالان کارگری و فعالان دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی و دفاع از آزادی زندانیان سیاسی هزینه سیاسی تعرض رژیم به جنبش کارگری و آزادیخواهانه در ایران را سنگین‌تر کرده و این رژیم را هر چه بیشتر در نزد افکار عمومی رسوا کنند .

**زنده باد اتحاد و همبستگی جنبش کارگری  
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم  
۱۵ شهریور ۱۳۹۸  
۶ سپتامبر ۲۰۱۹**

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت .

## کودک همسری،

### پدیده‌ای که به وسعت سراسر ایران گسترده است

همین حرف‌ها را تکرار کرد و گفت: "انگیزه این اقدام صرفاً به خاطر ایجاد محرمیت با عقد موقت، شناخت بیشتر و رفت‌وآمد زوج با خانواده زوجه جهت جلوگیری از برخی مسائل و مشکلات شرعی بوده است تا اینکه پس از گذشت ۶ سال اقدام به عقد رسمی و ازدواج کنند. احساس کرده‌ایم دختر در این سن آگاهی پایینی دارد و مصلحت نیست عقد موقت هم باشد ولی زوجه مهریه مشخص شده را بذل کرده (بخشیده است) و زوج مدت باقی‌مانده عقد را (عقد دوساله بود) باید بذل کرده؛ بنابراین عقد منتهی و منحل شد تا در زمان مقتضی با اخذ مجوز از دادگاه اقدام به ازدواج رسمی کنند." و با این اصلاحیه که: "سن دختر بر اساس کپی شناسنامه ارائه شده وارد ۱۱ سال می‌شود و پسر نیز ۲۲ سال دارد." بر طبق این اظهارات، روشن است که چیزی در

عقد موقت طبق رسومات محلی و عشیره‌ای انجام شده و تنها برای نام‌گذاری پسر و دختر برای هم انجام شده تا دختر به سن همسر داری برسد. پس از گفتگو و ارائه مشاوره به این خانواده‌ها با بخشش مهریه توسط ولی زوجه و بخشش مدت (دو سال) توسط ولی زوج، صیغه منتهی و باطل شد.

وی همچنین اعلام کرد: "داماد و پدر زوجه در اظهاراتشان عنوان کردند که یکی از همسایگان خانواده زوجه که سابقه خصومت با آن‌ها را داشته، این فیلم را در فضای مجازی انتشار داده است. به‌منظور رسیدگی به جرم انتشار این فیلم، شاکی جهت طرح شکایت به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بهمنی هدایت شد تا پس از بررسی صحت و سقم شکایت و شناسایی متهم برخورد قضایی متناسب انجام شود." رئیس دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد نیز

در صفحه ۸

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 837 September 2019



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی